

رشحات عرفان

در آثار مبارکه بهائی اشارات و کنایات و عبارات و تلمیحاتی وجود دارد که شرح و توضیح آنها می‌تواند برای نفوسی که به آثار مزبور مراجعه می‌کنند مفید واقع شود. در بخش "رشحات عرفان" شرح و تفصیل باره‌ای از این نکات درج می‌گردد. این بخش از دفتر سوم سفینه عرفان با درج یادداشت‌هایی از آثار فاضل فقیه جناب عبدالحمید اشراق‌خاوری که به همت جناب دکتر وحید رأفتی آماده شده بود آغاز گردید. در این دفتر یادداشت‌های دیگری از آن فقیه سعید که توسط جناب دکتر وحید رأفتی تنظیم و تدوین شده است و نیز دو یادداشت که جناب دکتر محمد افنان تهیه فرموده‌اند و نامه‌ای به قلم جناب میرزا موسی آقای کلیم که جناب دکتر وحید بهمدی توضیحاتی بر آن افزوده‌اند درج می‌گردد.

الف - از آثار عبدالحمید اشراق‌خاوری

تنظیم و تدوین: وحید رأفتی

مقدمه

به نیت تهیه موادّ اولیه برای استفاده در دائرة المعارفی در زمینه معارف بهائی جناب عبدالحمید اشراق‌خاوری (۱۹۰۲-۱۹۷۲ م) در چند سال آخر حیات خود یادداشت‌های گوناگونی فراهم فرمودند اما حیات عنصری ایشان وفا ننمود و نیت مبارکی که در سر داشتند جامه عمل نپوشید. حال بعضی از یادداشت‌های باقی مانده از آن فاضل جلیل را حقیر برای طبع آماده می‌نماید و توجه خوانندگان گرامی را به این نکته مهم جلب می‌کند که در نقل یادداشت‌های جناب اشراق‌خاوری نهایت امانت رعایت گشته و به جز در موارد معدودی نقطه‌گذاری و تغییر رسم الخطّ بعضی از کلمات، در منشآت ایشان دخل و تصرف و جرح و تعدیلی صورت نگرفته است. البته در مواردی که شرح و توضیحی اضافی مفید

تشخیص داده شده توضیحات مزبور به صورتی کاملاً مشخص و متمایز به یادداشت‌های جناب اشراق‌خاوری اضافه گردیده است. این توضیحات که به قلم این عبد مرقوم شده اطراف و جوانب نکات و اشارات مندرج در یادداشت‌های آن دانشمند فقید را روشن خواهد ساخت. امید چنان است که نشر این مطالب برای خوانندگان گرامی مفید واقع شود و سبب شادمانی روح پر فتوح آن نفس نفیس در ملکوت ابهی گردد.

۱- آقا محمد باقر نراقی

در کتاب مائده آسمانی (طبع ۱۲۱ ب، ج ۸، ص ۱۵۲) فقره‌ای از لوح جمال قدم خطاب به آقا محمد باقر نراقی در باره حکم حقوق الله مندرج گردیده است. جناب اشراق‌خاوری در باره حیات و خدمات آقا محمد باقر نراقی در یادداشت‌های خود چنین نوشته‌اند:

«از احتیای قدیم است که در اواخر حال در همدان زندگی می‌کرد و در نهایت روحانیت و صفا بود، و حکیم آقا جان طیب معروف یهودی را در همدان به امر الله تبلیغ می‌فرمود. در کتاب آفاق و انفس در ذیل همدان شرح احوالش را مفصل نوشته‌ام. آقا محمد باقر زوجه‌اش مریض شد و برای علاج به حکیم آقا جان مراجعه کرد. حکیم به اشتباه دواى عوضی داده بود و حال مریض به وخامت کشید و وفات کرد. حکیم آقا جان مضطرب شد زیرا در آن ایام یهود بسیار ذلیل بودند و بر لباس خود عسلی وصل می‌کردند که وصله یهودی نامیده می‌شد و در نهایت خواری و ذلت بودند و روز بارانی از خروج از منزل ممنوع بودند و حق سوار شدن بر اسب و خر نداشتند. خلاصه ذلت و حقارت آنان در بین مسلمین بیرون از حد نگارش است. حکیم آقا جان ترسید که مبادا این پیشامد سبب گرفتاری او شود زیرا زن مسلمانی را کشته بود ولی جناب آقا محمد باقر او را اطمینان داد و گفت که شما تقصیری ندارید، اراده الله بر این تعلق یافته بود. حکیم آقا جان تعجب می‌کند و می‌پرسد مگر شما مسلمان نیستید که این طور به من محبت می‌کنید؟ آقا محمد باقر فرمود من بهائی هستم و بعد تعالیم الهیه را ذکر می‌کنند و حکیم را تبلیغ می‌کنند. حکیم آقا جان بعد از تصدیق جمعی بسیار از یهود همدان را تبلیغ می‌کند و اولادش الآن در طهران و همدان هستند و در ظل امر مبارک بسر می‌برند.» انتهى.

برای آشنائی با کتاب آفاق و انفس که جناب اشراق‌خاوری به آن اشاره فرموده‌اند به مجله پیام بهائی (شماره ۱۵۸، ژانویه ۱۹۹۳ م، صص ۲۴-۲۵) مراجعه فرمائید.

بنا بر لغت نامه دهخدا عسلی عبارت از علامت و نشان جهودان است و آن عبارت از پارچه زردی است که یهودان به جهت امتیاز بر دوش جامه خود بدوزند. این لفظ عربی الاصل است و آن را غیار و لباس عسلی و جامه عسلی هم گویند.

در بارهٔ جناب میرزا ابراهیم منیر دیوان (آذر منیر) در یادداشت‌های جناب اشراق‌خاوری چنین آمده است:

«از جمله نفوس سلیمهٔ مؤمنه‌ای که این عبد مدّت‌ها در خدمتش بودم و از لقاء قدسیّه‌اش استفاده می‌کردم جناب میرزا ابراهیم کاتب، معروف به جناب منیر دیوان است که در اواخر آذر منیرش می‌گفتند. این مرد جلیل مدّت‌ها در ساحت اقدس مرکز عهد الهی مشرف بود و داستان‌ها از آن ایام نقل می‌کرد.

مردی بود بسیار روحانی و طبع شعر هم داشت. در کتاب آفاق و انفس در ذیل تبریز شرح مفصّلی در بارهٔ مشارالیه نوشته‌ام.

هر روز صبح زود قبل از طلوع صبح از خواب برمی‌خاست و به مناجات و دعا می‌پرداخت و صلوات کبیر می‌خواند ولی مواظب بود که صدای او کسی را بیدار نکند و ناراحت نسازد. چند ماه در همدان با مشارالیه هم منزل بودم و بسیار از روحانیت و ایمان او درس‌ها آموختم. علیه رحمة الله و رضوانه. گاهی اشعاری می‌سرود و قسمتی از اشعارش در مجلد اول تذکرة الشعراء قرن اول بهائی مندرج است. مشارالیه در سال ۱۲۸۲ هـ ق [۱۸۶۵ م] متولّد و در سال ۱۳۱۸ هـ ش [۱۹۳۹ م] در تبریز صعود فرمود. الواحی از مرکز پیمان الهی دارد و مدّت‌ها در ساحت اقدس مشرف بوده است. اشعارش به دو زبان فارسی و ترکی است.» انتهى.

همان طور که جناب اشراق‌خاوری اشاره فرموده‌اند شرح حال مختصری از جناب آذر منیر و دو قطعه از آثار ایشان در کتاب تذکرة شعراء قرن اول بهائی (طبع ۱۲۱ ب، ج ۱، صص ۱-۶) اثر جناب نعمت‌الله ذکائی بیضائی به طبع رسیده است. جناب ذکائی یکی از الواح حضرت عبدالبهاء رانیز که به اعزاز جناب آذر منیر عزّ‌صذور یافته درج فرموده‌اند. جناب آذر منیر مخاطب الواح عدیده‌اند و ذیلاً دو لوح دیگر از الواح ایشان را که شاهدهی باهر بر عنایات مرکز عهد الهی و حاکی از خدمات و صدمات و مساعی جناب آذر منیر می‌باشد مندرج می‌سازد:

هو الله

قونیه

جناب میرزا ابراهیم تبریزی علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای سرگشتهٔ صحرائی محبت الله، مکتوب واصل و از مصائب و مشقّات وارده نهایت تأثر حاصل گردید ولی این بلاء فی الحقیقه عین عطاست چه که در سبیل محبوب ابهی. قسم به روی دلجوی او و

موی مشکبوی او که این نار نور است و این سمّ شدید شراب طهور و ریحیق ممزوج به کافور. فاشکر الله بماكنت سهیمی فی الشّدائد و البلايا و شریکی فی المصائب و الرّزایا و البهاء علیک. ع.ع.

به واسطه جناب آقا میرزا علی بنکدار

آذربایجان

جناب آقا میرزا ابراهیم خطّاط علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای بی سر و سامان محبوب یکتا، هر چند مدّتی مدیده در کوه و صحرا و دشت و دریا سیر و سیاحت نمودی الحمد لله عاقبت در آذربایجان راحت دل و جان یافتی. بشارت از وجد و طرب یاران الهی داده بودی. این خبر سبب سرور مستمرّ گردید زیرا در آن خاک پاک دم مطهر کوکب تابناک نیر افلاک ریخته شد. لهذا باید غلیان محبّت الله در آن بوم و بر شعله و شرر زند و فیضان رحمت سبزی و خرمی و فیض و برکت آن کشت و کثور گردد و علیک التّحیة و الثّناء ع.ع.

۳- ابناء السبیل

حضرت عبدالبهاء در فقره‌ای از تفسیر خود بر بسم الله الرحمن الرحیم که در کتاب مکاتیب عبدالبهاء (طبع ۱۹۱۰ م، ج ۱، ص ۵۵) مندرج است چنین می‌فرماید: «... فآه آه یا ایها السائل الناظر الی الحقّ بعین الخلق المستوضح الدلیل من ابناء السبیل...»

جناب اشراق خاوری در یادداشت‌های خود در باره "ابناء السبیل" چنین آورده‌اند:

«در اصطلاح قرآن مجید مقصود مسافری است که در غربت گرفتار بی پولی شود ولی در وطن خود دارای ثروت باشد لهذا از بیت المال مسلمین توسط امام به او مبلغی داده می‌شود که رفع احتیاج کند و بعد از وصول به وطن آن وجه را به بیت المال مسترد سازد، و به عقیده بعضی می‌تواند که مسترد نسازد. "ابناء السبیل" در اصطلاح صوفیه و محققین عرفا عبارت از نفوسی هستند که در ظلّ هدایت راهنمای روحانی خود به سیر و سلوک مشغولند و طیّ طریق و سبیل سلوک می‌نمایند تا به سر منزل مقصود برسند.» انتهى.

همان طور که جناب اشراق خاوری اشاره فرموده‌اند اصطلاح "ابناء السبیل" اصطلاحی قرآنی است که هشت بار در آن سفر مجید به کار رفته (مثلاً نگاه کنید به سوره بقره، آیه ۱۷۷ و ۲۱۵ و سوره نساء، آیه ۳۶) و از آن مستحقّان به انفاق و صدقات مراد شده است. در عبارت حضرت عبدالبهاء مراد از "ابناء السبیل" مفهوم عرفانی آن است زیرا می‌فرمایند حسرتا ای سائل که به چشم خلق از کسانی که خود مستحقّ علم و معرفتند و درماندگان سبیل حقایق اند قضا یای مورد نظر خود را پرسیده‌ای و نه از اصلین

به مقامات علم و عرفان.

اصطلاح "ابناء السبیل" به معنی فقراء، مستحقان و در ماندگان البتّه در آثار مبارکه بهائی به کرات به کار رفته است. از جمله حضرت بهاء الله در یکی از الواح مبارکه چنین می فرماید: «ان یا اهل البیان و من دان بالله و آیاته... من ینوم فی اللیل علی فراشه و ینوم فی قلبه بغض اخیه المؤمن فبشره بنقمة و عذاب من الله و لا تسدوا السبیل علی ابناء السبیل و لا تغلقوا علی وجه المساکین ابواب الخیرات لئلا یسد علی وجوهکم ابواب عنایة الله...»

و در لوحی که پس از شهادت یکی از شهدای اصفهان از قلم جمال قدم عزّ نزول یافته چنین مذکور است: «لک البهء یا مالک الاسماء بما بدلت الفرح بالغم... یا ارض الصّادین سراجک و این صراطک و این عین الله الجاریة فیک و این السدرة الّتی قد جعل الله ظلّها مأوی الواردين و القاصدين و ابناء السبیل...» و نیز در "مناجات به جهت طلب تأیید شرکت تجارت خراسان افاض الله علیها البرکة" که از قلم حضرت عبدالبهاء عزّ صدور یافته چنین مذکور است:

هو الابهی

ربّ ربّ انت ملاذ المقرّین و کهف عباد المخلصین و معین الموقنین و مؤید الثّابتین قد اتّفق جمّ من الموحّدین علی تشکیل شرکة تجارة فی بعض الاقالیم و تأسیس وسائط العمران و العمار فی تلك الدیار لجمع شمل الوری و لمّ شعث الاحبّاء و خدمة الفقراء و الضّعفاء و معالجة المرضاء و معاونة الیتیم و العاجز و ابناء السبیل. ای ربّ ایدهم علی هذا المشروع و وقّهم علی تأسیس هذا الامر المبرور و افتح علیهم ابواب النّجاح و السّرور و ایدهم بفیض الفلاح و الحبور و اجعل تجارتهم رابحة و صفقتهم لائحة و نفتحهم فائحة و موقّیتهم واضحة انک انت الرّبّ الکریم الموقّ الرّحیم. ع.ع.

تهیه و طبع بقیة یادداشت های جناب اشراق خاوری ان شاء الله در شماره های بعدی دفتر میسر خواهد گشت.